

نماز و روزه در قطب

پدیدآورنده (ها) : سبحانی تبریزی، جعفر

فقه و اصول :: نشریه فقه اهل بیت :: تابستان ۱۳۸۱ - شماره ۳۰ (ISC)

صفحات : از ۵۰ تا ۵۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/310388>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۰۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



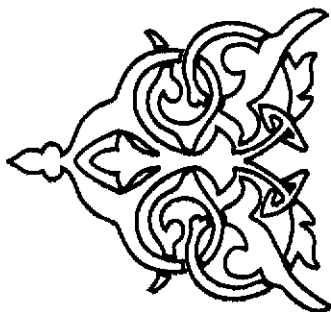
مقالات مرتبط

- حقیقة الوضع فى الاسماء و الحروف (نظرية تكميلية)
- اسلام، وحى و نبوت
- رقص
- رویکرد رجالی آیت‌الله بروجردی در کشف تصحیف سند روایات کتب اربعه با تاکید بر کتاب الموسوعة الرجالية
- اختیارات ولی فقیه در نظر صاحب جواهر، امام خمینی و محقق خوبی
- قرینه مناسب حکم و موضوع و کارایی آن در استنباط احکام
- نحوه فاعلیت خداوند در عالم از نظر ابن سینا
- بررسی اقتضای مبانی نظریه ولایت فقیه در باب اختیارات ولی فقیه
- نظام اخلاقی قرآن کریم
- آسیب‌شناسی کتاب‌های اخلاق قرآنی و ارائه الگوی جدید از نظام اخلاقی قرآن
- واکاوی تاسیس پایتخت اسلامی از سوی پیامبر (ص): در رویکرد فقهی مبتنی بر نصوص و منابع سیره
- مبانی، اصول و سیاست‌های حکمرانی اسلامی

عناوین مشابه

- مسائل مستحدثه در فقه اسلامی: چگونگی نماز و روزه در سفرهای فضائی
- پژوهش فقهی؛ حکم نماز و روزه در شب‌های مهتابی
- مسائل مستحدثه در فقه اسلامی: نماز و روزه در سفرهای فضائی
- چگونگی معرفی نماز، روزه، جهاد، حج، خمس و زکات در کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و بخوانیم مدارس دوره ابتدایی ایران
- حکم نماز و روزه مسافر در عصر جدید
- قواعد الصلاة (۲) تلازم بین نماز و روزه در قصر و افطار
- درنگی در تاثیر کثرت سفر در اتمام نماز و روزه مسافر
- راه حل نهایی مشکل نماز و روزه در مناطق قطبی
- بررسی " نماز" در دو کتاب؛ الطبقات الكبرى و الکافی
- مرور نظام مند رویکرد و تاثیر خواندن نماز و جنبه‌های مختلف قرآنی در پاندمی کووید ۱۹

نماز و روزه در قطب



♦ جعفر سبحانی

۵۰
فصل بیت

ساله / شماره ۳۰

المدار بلده البدی کان متوطناً فیہ
سابقاً إن کان له بلد سابق؛

چنانچه مکلفی در مکانی زندگی
کند که ۶ ماه از سال، روز و ۶ ماه
دیگر آن شب باشد، و یا سه ماه از
سال روز و ۹ ماه دیگر آن شب باشد
و ... بعید نیست که ملائک در نماز و
روزه این فرد، سرزمینهای متعارف
و واقع شده میان دو قطب باشد و

۱. العروة الوثقی (چاپ قدیم)، سید محمد
کاظم طباطبایی یزدی، ج ۲، ص ۲۲۷،
مسألة ۱۰.

صاحب عروة الوثقی^۱ درباره مکلفی
که در قطب زندگی می کند، می نویسد:

إذا فرض كون المكلف في المكان
الذي نهاره ستة شهر و ليله ستة
اشهر أو نهاره ثلاثة و ليله ستة أو
نحو ذلك فلا يبعد كون المدار في
صومه و صلاته على البلدان
المتعارفة المتوسطة مخيراً بين افراد
المتوسط و أما احتمال سقوط
تکلیفهما عنه فبعید کاحتمال سقوط
الصوم و كون الواجب صلاة يوم
واحد و ليلة واحدة و یحتمل كون

این فرد مخیر باشد که برای نماز و روزه هایش یکی از سرزمینهای میانی را مبنا قرار دهد. اما احتمال سقوط نماز و روزه نسبت به این فرد بعید است، همچنان که احتمال سقوط روزه و وجوب نماز تنها یک روز و یک شب، بعید به نظر می‌رسد. این احتمال هم وجود دارد که ملاک [در نمازها و

روزه های این فرد] سرزمینی باشد که قبلاً در آن زندگی می‌کرده است؛ البته این احتمال در صورتی است که فرد مزبور وطن سابقی داشته باشد.

صاحب عروة الوثقی در مورد نماز و روزه چنین شخصی چهار احتمال را ذکر می‌کند:

۱. ملاک در نمازها و روزه های مکلف مزبور، سرزمین های معمولی باشد و خود مخیر است که برای نمازها و روزه هایش یکی از بلاد معمولی را [که میان قطنین قرار دارند] مبنا قرار دهد.

۲. سقوط تکلیف نماز و روزه از این فرد است.

۳. روزه از این فرد ساقط است و در مورد نماز هم [در تمام ماه هایی که روز است] تنها نماز یک روز و [در تمامی ماه هایی که شب است تنها نماز] یک شب واجب است.

۴. ملاک در نمازها و روزه های مکلف مزبور، وطن سابق او می‌باشد؛ البته در صورتی که وطن سابقی داشته باشد.

روشن است که سه احتمال اخیر باطل هستند. اما این که فرد در چنین موقعیتی به کلی فاقد تکلیف باشد، احتمالی است که هرگز نمی‌توان به آن ملتزم شد. احتمال سوم هم که تنها نماز یک روز و

یک شب واجب باشد، احتمالی است همچون احتمال قبلی، به علاوه هنگامی که شب طولانی باشد، زوال خورشید محقق نمی‌شود [تا وقت مشخصی برای اقامه نماز ظهر ایجاد شود].

اما احتمال چهارم، ممکن است دلیل آن، استصحاب باشد. اما این احتمال با [فرض] عبور عابر از مناطقی که روزها و شب هایشان نسبت به وطن او متفاوت هستند، قبل از رسیدن به مناطق قطبی،

نقض می شود.

خط استوا شروع شده و به قطب شمال ختم می شود نود درجه می باشد، همچنان که قوسی که از خط استوا تا قطب جنوب امتداد دارد، نود درجه می باشد.

از میان چهار احتمال گذشته تنها احتمال اول، که صاحب عروه آن را بعید ندانسته، صلاحیت بحث و بررسی دارد. تحقیق این وجه متوقف بر ذکر نکاتی چند است:

نکته دوم: مناطقی که بین خط استوا

نکته اول: هر مکانی دارای طول و عرض جغرافیایی است. طول جغرافیایی عبارت است از: قوس عمود بر خط نصف النهار گرینویچ [از یک طرف] و بر خط نصف النهار محل مورد نظر [از طرف دیگر]. بنابر این مقدار مسافت میان دو نقطه مزبور، طول جغرافیایی مکان مورد نظر را تشکیل می دهد.

و یکی از دو قطب شمال و جنوب قرار دارند، بر حسب دوری آنها از خط استوا، دارای درجات متفاوتی هستند. مناطقی که بین خط استوا و درجه ۶۷ واقع شده اند، مناطق معتدل محسوب می شوند و در طی ۲۴ ساعت، از شب و روز برخوردارند، اگر چه با یک دیگر از نظر بلندی و کوتاهی شب و روز، اختلاف دارند. مناطقی که بالای ۶۷ درجه هستند مناطق قطبی به شمار می آیند و طول روز و شب در آنها بر حسب دوری از مناطق معتدل، مختلف است و وجه اشتراك این مناطق این است که یا از روزهای طولانی برخوردارند و یا از شب های طولانی، به طوری که هر چه به خط نود درجه نزدیک تر می شویم، طول شب یا روز برخی از این مناطق تا به شش ماه هم می رسد. بنابر این آنچه مشهور

اما عرض جغرافیایی عبارت است از مقدار قوس عمود از خط استوا تا آن مکان. بنا بر این مقدار مسافت دو نقطه مزبور، عرض جغرافیایی آن جا را تشکیل می دهد.

از آن جا که خط استوا دایره ای است که کره زمین را به دو نیم تقسیم می کند و در پی آن عرض جغرافیایی هم به عرض جغرافیایی شمالی و جنوبی تقسیم می شود، بنابر این مقدار قوسی که از

شده که طول روز یا شب در تمامی مناطق قطبی شش ماه است، همه جا صحت ندارد و این سخن تنها در مورد نقاطی که در مرز خط نود درجه قرار دارند، صحیح است. اما مناطقی که میان خط نود درجه و خط ۶۷ درجه قرار دارند بر حسب دوری و نزدیکی از این دو خط، از طول شب و روز متفاوتی برخوردارند اگر چه همگی این ویژگی را دارند که دارای روز یا شب طولانی هستند.

نکته سوم: گذشت که برخی مناطق نزدیک خط ۶۷ درجه، در طی ۲۴ ساعت، از روز و شب برخوردارند و ممکن است [طول شب و روز در این مناطق به این صورت باشد که] بیست و دو ساعت آن شب و دو ساعت دیگر، روز باشد یا برعکس. مردم این مناطق اگر چه از روز یا شب طولانی برخوردارند، با این حال بایستی فرایض خود را [از قبیل نماز و روزه] بر طبق روز و شب، و مشرق و مغربی که دارند، به جا آورند. به این صورت که بیست و دو ساعت روزه بگیرند و نمازهای یومیه را در طی دو ساعت انجام دهند، و راه دیگری وجود

ندارد و امکان ندارد [در این مناطق] بتوانیم حکم روز را در شب و یا حکم شب را در روز اجرا کنیم.

اما بحث در مورد مناطقی است که بالاتر از خط ۶۷ درجه قرار دارند، یعنی مناطقی که با گذشت ۲۴ ساعت، شب یا روز ندارند. آنچه در کلام صاحب عروه مطرح شده، همین مورد است.

نکته چهارم: متبادر از کلمات فقها در این زمینه این است که در مناطق قطبی شب و روز از هم متمایز نیستند و زمان یا فقط روز است و یا شب. به همین دلیل اقوال فقها متفاوت شده در مورد کیفیت اقامه فرایض در این مناطق و این که چگونه می شود در حالی که خورشید در میان آسمان است، نماز مغرب و عشا و یا در حالی که هوا شدیداً تاریک است، نماز ظهر و عصر را به جا آوریم.

از این رو احتمالات پیشین را مطرح کرده اند و ملاحظه شد تنها احتمالی که صاحب عروه بعید ندانسته بود [قابل طرح و بررسی] باقی ماند و آن احتمال این بود که: نماز و روزه افرادی که در این مناطق به سر می برند بایستی بر طبق بلاد

معمولی میان دو قطب شمال و جنوب باشد و افراد این مناطق مخیرند که هر یک از این بلاد میانی را مبنای انجام فرایض خود قرار دهند. به عنوان مثال فردی که در قطبین زندگی می کند می تواند معیار را، مقدار روز و شب مناطق معتدل و مناطقی که در آن فصل شب و روز در آنها کوتاه نیست، قرار دهد؛ اگر چه در برخی فصول روز تا شانزده ساعت و شب تا هشت ساعت هم برسد. بنابراین چنین فردی بایستی به مقدار روز مناطق معتدل روزه بگیرد و نماز ظهر و عصر را اقامه کند و بر مبنای شب مناطق معتدل روزه را افطار کند و نماز مغرب و عشا را نیز طبق همین معیار به جا آورد. بنا بر این بایستی [در مناطق قطبی] مقدار شب و روز فصول مختلف سال در مناطق معتدل دور از آن مناطق، مراعات گردد.

آنچه بیان شده، متبادر از کلمات فقها بود. اما دو نکته به نظر می رسد که متذکر می شویم:

اولاً، چه دلیلی وجود دارد که اهالی مناطق قطبی بایستی بلاد معمولی میانی را مبنا قرار دهند و این مناطق را بر بلاد

نزدیک قطبین - که در طی ۲۴ ساعت از شب و روز اگر چه یکی کوتاه تر و دیگری بلندتر، برخوردارند - ترجیح دهند؟

ثانیاً، دستیابی به مقدار روز مناطقی که در فصل خاصی معتدل هستند، دشوار است و با توجه به این که اسلام دین آسانی است چنین چیزی نمی تواند در طی قرون متمادی، به ویژه قبل از پیشرفت وسایل ارتباطی سیمی و بی سیمی، برای عموم مردم معیار باشد.

اینک با توجه به مطالب گذشته به بیان نظر خود در این زمینه می پردازیم:

دیدگاه انتخابی درباره نماز در مناطق قطبی

مناطق قطبی در همه فصول از یک نحوه روز و شب برخوردارند؛ اگر چه کیفیت روز و شب در این مناطق با روز و شب در مناطق معتدل متفاوت است و با همین تفاوت است که مشکل نماز و روزه در این مناطق به شکلی که در ذیل بیان می شود، حل می گردد:

اگر روز از شب طولانی تر باشد و از مرز یک ماه یا دو ماه تا شش ماه تجاوز کند،

در این صورت راهنمای ما در تشخیص روز از شب، خورشید است. توضیح این که در این مناطق، حرکت خورشید بر حسب آنچه حواس ما درک می کند، حرکتی دورانی همچون حرکت سنگ آسیاب است به این صورت که در طی ۲۴ ساعت یک بار با اوج و حضیضی که دارد حول افق می چرخد. بنا بر این خورشید حرکتش را از شرق به سمت غرب و در ضمن یک خط منحنی شکل آغاز می کند و هرچه بالاتر رود و به سمت غرب حرکت کند، سایه شاخص بیشتر می شود تا آن که ازدیاد سایه شاخص متوقف شود.

سپس جریان بر عکس می شود و این جریان در سمت شرق روی خواهد داد و در این موقع خورشید در آن نقطه به خط استوا می رسد و به این وسیله اوقات ظهر و عصر را می توان تشخیص داد.

پس از آن، خورشید در این خط منحنی شروع به حرکت می کند تا این که به پایین ترین درجه برسد، اگر چه غروب نمی کند. آن گاه حرکتش را از غرب به شرق آغاز می کند و در این موقع است که

شب فرا می رسد و شب ادامه دارد تا وقتی که حرکت خورشید به نقطه ای منتهی شود که از همان جا شروع به حرکت کرده بود، و کمی قبل از رسیدن خورشید به نقطه شرق، اول فجر محسوب می شود.

بنا بر این حرکت خورشید راهنمای ماست برای دستیابی به اول و وسط روز و ابتدای شب و آغاز فجر. این بیان، استحسان نیست بلکه هوا هم آن را تایید می کند. توضیح این که وقتی خورشید از طرف شرق شروع به حرکت می کند تا به سمت غرب برسد هوا مانند مناطق معتدل بسیار روشن است و وقتی به طرف غرب پایین می آید و از آن جا به سمت شرق حرکت می کند هوا به تیرگی و تاریکی خفیفی میل می کند. لذا ساکنان این مناطق، با حرکت نخستین خورشید، رفتار روز، و با حرکت بعدی خورشید، رفتار شبانه می کنند به این معنا که به هنگام حرکت نخستین خورشید، اقدام به کارهای روزانه می کنند و به هنگام حرکت بعدی خورشید به خواب شبانه می روند.

بنا بر این روشنایی و تاریکی در طی ۲۴ ساعت بر یک منوال نیست بلکه از روشنی به تیرگی و یا از روشنی شدید به روشنی ضعیف تر تغییر حالت می دهد. این نیست مگر به سبب این که حرکت نخستین خورشید ملازم با وجود روز در مناطق معتدل است همچنان که حرکت بعدی خورشید ملازم با وجود شب در آن مناطق می باشد. اما میل مرکز چرخش زمین به دور خود به میزان $23/5$ موجب می شود که خورشید در برخی فصول به مدت زیادی در این مناطق خیمه زند به طوری که اگرچه خورشید اوج و حضیضی داشته باشد اما در این مدت غروبی از آن دیده نشود.

تمامی آنچه بیان شد در صورتی است که در این مناطق روز طولانی باشد، اما اگر قضیه برعکس باشد یعنی در این مناطق شب تا شش ماه طول بکشد، حکم این صورت هم از آنچه در صورت نخست بیان کردیم، روشن می شود؛ زیرا خورشید اگر چه در این مناطق برای مدتی طولانی غروب می کند اما تاریکی در این مناطق به یک شکل نیست بلکه

شدت و ضعف دارد. شدت تاریکی نشانه حکومت شب در مناطق معتدل است؛ همچنان که تاریکی ضعیف نشانه حکومت روز در آن مناطق می باشد. از این طریق می توان روز را از شب تشخیص داد به این صورت که زمان ۲۴ ساعت تقسیم می شود به تاریکی محض و تاریکی آمیخته با کمی نور که تاریکی محض، شب و اول وقت نماز مغرب و عشا، و تاریکی آمیخته با کمی نور ابتدای روز است. این حالت چند ساعت ادامه دارد تا این که مجدداً تاریکی شدید فرا رسد و این چند ساعت، روز این مناطق شمرده می شود و بایستی در این ساعات روزه گرفت؛ همچنان که حد وسط این چند ساعت، ظهر این مناطق محسوب می شود و بایستی نماز ظهر و عصر را به جا آورد.

نتیجه

با توجه به مطالبی که بیان شد، مناطق قطبی یا نزدیک به قطب به سه دسته تقسیم می شوند:

۱. برخی از این مناطق به گونه ای هستند

که در آنها شب و روز به طور جداگانه وجود دارند و هر چند شب و روز در این مناطق متساوی نیستند اما طلوع و غروبی برای خورشید وجود دارد که فرایض روزانه با طلوع خورشید و فرایض شبانه با غروب خورشید انجام می گیرد اگر چه مقدار این شب یا روز کوتاه باشد .

۲ . [برخی دیگر از این مناطق به گونه ای هستند که دارای روز طولانی می باشند] و چنانچه این مناطق دارای روزی طولانی باشند، خواه به شش ماه برسد یا نرسد، از آن جا که خورشید قابل دیدن و حرکتش دورانی و مانند سنگ آسیاب است، بنابراین وقتی حرکت خورشید از شرق به سمت غرب است، روز و وقتی خورشید به دایره نصف النهار برسد، ظهر محسوب می شود، و زمانی که حرکت خورشید به سمت شرق پایان یابد و حرکتش را به سمت غرب آغاز کند، شب فرا می رسد و هنگامی که

حرکت خورشید به طرف غرب پایان یابد و خورشید حرکتش را به سمت شرق آغاز کند، ابتدای روز این مناطق است . بدین گونه یک دوره شبانه روزی در طی ۲۴ ساعت تکمیل می شود .

۳ . [برخی مناطق هم هستند که دارای شب های طولانی هستند .] چنانچه شب در این مناطق طولانی باشد، خورشید اگر چه قابل رؤیت نیست اما تاریکی در آنها به یک شکل نیست ؛ بلکه تاریکی میان تاریکی شدید و تاریکی مایل به سیاهی در نوسان است . بنا بر این وقتی تاریکی در این مناطق شدید است ، شب محسوب می شود و آغاز آن ، آغاز نماز مغرب و عشا است و وقتی تاریکی مایل به سیاهی شروع شود و پرتوهایی از نور آشکار گردد، صبح آغاز می شود . بنا بر این هر گاه تاریکی خفیف شود، روز این مناطق محسوب می شود تا این که حالت قبل، تکرار شود .